



THEology of THE City *Biannual*

Vol. 1, No. 1, Spring & Summer 2023



A Path Toward the Spiritual City*

Muhammad Mas'oud Sa'idi¹ 

Abstract

The changes in today's societies have led to the rise of cities that are not able to meet all human needs, especially the higher-level needs. The cities of the contemporary world, at best, provide physiological and safety needs; whereas today, the thinkers of all societies consider ignoring higher levels of human needs, such as the need for self-transcendence and spirituality to be the source of many urban disorders. Useful researches have been conducted – both inside and outside the country – concerning the relationship between the city and spirituality and the design of spiritual environments, which are devoid of some important premises. In order to enjoy a spiritual city, we have to pass through a relatively difficult path. First, we must clarify our intention of and expectation from the spiritual city and its relationship with the urban community and spiritual needs, then accordingly, we should see what definition of spirituality befits the urban planning in the current globalized world, and in order to implement that definition and

* Received: 2022/ Feb 09, Accepted: 2023 Jan 22

DOI: 10.22081/jtc.2023.63287.1002

1. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy.

m.saeedi@isca.ac.ir

planning the city and the constructed environments, what stages should we go through and what conditions and prerequisites should we provide so that thereafter the urban planning artists and architects could create a spiritual city with their designs. Although the author of the present article does not claim to have final and definite responses for these issues, he hopes to be able to make the necessary preparations to reach a spiritual city by adopting a social approach and by taking into consideration the researches conducted on the city and spirituality and with the help of a rational method provide a scholarly ground for thinking and speculating about it.

Keywords: city, theology, relation, realism, idealism, presuming religion as judgment, presuming religion as guidance.



راهی به سوی شهر معنوی*

محمد مسعود سعیدی^۱ 

چکیده

تغییرات جوامع امروزی، به ظهور شهرهایی منجر شده است که نمی‌توانند همه نیازهای انسانی، به‌ویژه نیازهای مراتب بالا را برآورده کنند. شهرهای جهان معاصر در بهترین صورت، نیازهای فیزیولوژیک و ایمنی را تأمین می‌کنند؛ در حالی که امروزه متفکران همه جوامع، بی‌توجهی به نیازهای مراتب بالاتر انسانی، مانند نیاز تعالی از خود و معنویت را منشأ بسیاری از نابسامانی‌های شهری می‌دانند. درباره رابطه شهر و معنویت و طراحی محیط‌های معنوی، پژوهش‌های مفیدی - در داخل و خارج کشور - انجام شده است که خالی از برخی مقدمات مهم هستند. به منظور داشتن شهری معنوی باید راهی به نسبت دشوار را طی کنیم. ابتدا باید مقصود و انتظار خود را از شهر معنوی و رابطه آن با اجتماع شهری و نیازهای معنوی را روشن کنیم، سپس بر مبنای آن بررسی کنیم که چه تعریفی از معنویت، مناسب شهرسازی در دنیای جهانی‌شده کنونی است و برای عملیاتی کردن آن تعریف و طراحی شهر و محیط‌های ساخته‌شده، باید چه مراحل را طی کنیم و چه شرایط و پیش‌نیازهایی را فراهم کنیم تا پس از آن هنرمندان شهرساز و معمار با طراحی خود، شهری معنوی را پدید آورند. این‌ها موضوعاتی است که نویسنده مقاله پیش‌رو اگرچه ادعا نمی‌کند پاسخ‌هایی نهایی و قطعی برای آن‌ها دارد، امیدوار است بتواند با اتخاذ رویکردی اجتماعی و با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده درباره شهر و معنویت، به کمک روشی عقلی، مقدمات ضروری برای رسیدن به یک شهر معنوی را استنباط کند و زمینه‌ای علمی را برای اندیشه‌ورزی و گمانه‌پردازی درباره آن فراهم آورد.

واژگان کلیدی: شهر معنوی، نیاز معنوی، معنویت شهری، هنر طراحی شهری.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲

10.22081/jtc.2023.63287.1002

شناسه دیجیتال (DOI):

m.saeedi@isca.ac.ir

۱. استادیار پژوهشکده اسلام تمدنی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

مقدمه (بیان مسأله)

ما در عصر جهانی شدن، در حال تجربه واقعاتی تلخ هستیم که خود را در قالب رفتارهای بسیار غیرمسئولانه در سرتاسر جهان نشان می‌دهند. جهان ما تحت تهاجم بی‌رحمانه عادات آلاینده و اسراف‌کارانه ما در حال فرسوده شدن است؛ عاداتی که از پذیرش یک زندگی پرشتاب، تحت تأثیر شعارهای بیشتر، بزرگتر، سریع‌تر، بهتر و ارزان‌تر ناشی می‌شود. این عادات پیوسته در ارائه آنچه وعده می‌دهند، شکست می‌خورند و در عوض، تنها نیازهای برآورده‌نشده، اندوه و فشار روانی بیشتری را به بار می‌آورند. با وجود وعده‌هایی که عصر اطلاعات رو به رشد، پیشرفت‌های علمی متوالی، توانایی فزاینده توسعه فناوری و رشد عقلانیت به ما می‌دهد، همیشه خود را در حال بازگشتی ناامیدانه، به همان معضلات وجودی باستانی می‌یابیم که از صرف زنده بودن و تلاش برای رسیدن به صلح، امنیت و رضایت به وجود آمده‌اند. ما در این مسائل ساده بشری پیشرفت چندانی نکرده‌ایم. فرار از این واقعیت به سوی مشغولیت‌هایی که به‌ویژه در شهرها، با دقت طراحی شده‌اند و با سطحی‌ترین نیازهای ما هماهنگ شده‌اند و از طریق مصرف‌گرایی کنترل‌نشده، رسانه‌های اجتماعی و سرگرمی‌های گوناگون اعمال می‌شوند، هرگز کارساز نیست. بدتر از این‌ها، ما اکنون در چنبره مخاطراتی که برخی از این عادات برای ما به ارمغان آورده‌اند، گرفتار شده‌ایم: گرم شدن کره زمین، فقر و فلاکت فراوان در مقابل طمع فراوان قدرتمندان، خشونت، تروریسم، جنگ، ویرانی زیست‌محیطی، بیگانه‌هراسی، و بی‌ثباتی اقتصادی در مقیاس جهانی. اگرچه اعتراف به آن سخت است، اما خود ما اغلب شریک جرمی خجالتی برای این وضعیت بوده‌ایم و سردرگم، گیج و غرق در پیچیدگی‌های تمدن قرن بیست‌ویکم به‌سر می‌بریم.

رویه طراحی شهری معاصر، متأثر از پیشرفت‌های فناوری، بیشتر بر پرداختن به نیازهای اولیه انسان، بدون توجه به نیازهای مراتب بالاتر متمرکز شده است. معماری شهری معاصر بیشتر به جنبه‌های اجتماعی فضای عمومی توجه می‌کند و در بهترین حالت، مکان‌هایی ایجاد می‌کند که یک راحتی نسبی برای کاربران فراهم می‌آورند، اما همچنان برای ایشان فاقد معنا و عناصری هستند که حس انسانیت و معنویت را در مکان برمی‌انگیزاند. این در حالی است که امروزه، دنیای پسامدرن روز به روز بیشتر متقاعد می‌شود که معنویت را

منبعی برای تغییر فردی و اجتماعی و جبران نارسایی‌های زندگی مدرن به‌شمار آورد. به همین علت شهرهای توسعه‌یافته، معنویت را موضوعی برای تحقیق دانشگاهی، دستورالعملی اجرایی برای پرورش کودکان و دانش‌آموزان، عاملی بالینی برای درمان بیماری‌ها و بُعدی شخصیتی برای موفقیت شخصی و سازمانی در کسب و کار و مدیریت در نظر گرفته‌اند (سعیدی ۱۳۹۹ «ب»: ۱۶-۱۵). بنابراین، معماری و طراحی شهری نیز که گاهی آن را هنر برقراری نظم مادی یک نظام فرهنگی دانسته‌اند (برمودز، ۲۰۱۴: ۳) نمی‌تواند از این واقعیت انسانی چشم‌پوشد، بلکه باید آن را بازتاب دهد و پاسخ‌هایی برای آن داشته باشد.

دست‌کم، پیش‌فرض برخی از متخصصان شهرسازی این است که انگیزه غالب انسان معاصر، یافتن جهت، معنا و هدف در دنیایی اغلب غیرقابل‌فهم است. مردم ممکن است همیشه متفکر نباشند، اما وقتی می‌اندیشند، ویژگی جستجوی معنا را که یک ویژگی انسانی است به نمایش می‌گذارند. معماران شهری در این زمینه، به دنبال این هستند که چگونه می‌توانند برای برنامه‌ها و آرمان‌های فرهنگی و دینی، نقش‌هایی را به معماری تخصیص دهند. در دیدگاه این متخصصان شهری، معماری، به‌ویژه معماری بناهای بلندپایه دینی، همیشه به باورهای مشترکی وابسته بوده است که توسط شیوه‌های ساختمان‌سازی مشترک تأکید می‌شده‌اند. این مسئله به خوبی شناخته شده است که نتایج معماری سنتی دینی، اغلب به همان اندازه که آموزنده، پنددهنده و حتی اجبارکننده بوده، تعالی‌دهنده و رهایی‌بخش نیز بوده است. بر این اساس، برخی از طراحان شهرهای جدید که موضوع کارشان را معنویت در معماری قرار داده‌اند، در درجه نخست به ظرفیت معماری برای فراهم کردن مکان‌هایی می‌پردازند که وضعیت انسان را بیان می‌کند، آن را به‌طور معنادارتری در جهان قرار می‌دهد و صحنه‌های مناسبی را برای درک تعالی و کنش اخلاقی ارائه می‌کند. آن‌ها روش‌هایی را بررسی می‌کنند که محیط ساخته‌شده بر اساس آن روش‌ها می‌تواند نیازهای معنوی عمیق‌تری را برآورده کند (ر.ک: باری و برمودز، ۲۰۱۹: ۳۵۵-۳۴۵).

بنابراین، برای این‌گونه طراحان شهری پرسش‌هایی از این دست مطرح است که چگونه محیط ساخته‌شده، چه عمومی و چه خصوصی، نیازهای شخصی‌تر، درونی‌تر و بنیادی‌تر انسان معاصر را برطرف

می‌کند؟ ساختمان‌ها و خیابان‌ها چگونه یک فرد را درگیر رشد شخصی می‌کنند، ابزاری برای تفکر (مکاشفه و درون‌نگری)، کنجکاو و کاوش می‌سازند و به ایده‌آل‌ها و اعتقاداتی که زندگی ما را هدایت می‌کند، تجسم می‌بخشند؟ به‌طور کلی و خلاصه، چگونه معماری و طراحی شهری می‌تواند نیاز معنوی انسان‌ها را پاسخ دهد؟

اما چند پرسش اجتماعی بر این پرسش‌ها - که بیشتر در حیطه تخصصی معماران و طراحان شهری است - تقدم منطقی دارند و مطالعه حاضر مربوط به این پرسش‌ها است: مقصود از شهر معنوی چیست؟ یا از شهر معنوی چه انتظاری داریم؟ چه تعریفی از معنویت، بخت بیشتری دارد تا شهرهای امروزی به آن متصف شوند؟ یا چه مؤلفه‌هایی از معنویت می‌توانند تجسم شهری موفق‌تری بیابند؟ یک شهر چه پیش‌نیازهایی برای معنوی شدن دارد؟ یا ویژگی‌های اجتماعی برای تحقق یک شهر معنوی چیست؟ و به‌طور کلی و خلاصه، راه رسیدن به یک شهر معنوی کدام است؟

۱. پیشینه تحقیق درباره رابطه شهر و معنویت

پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از جامعه ایران درباره موضوع رابطه شهر و معنویت را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) حجم زیادی از پژوهش‌های خارجی مرتبط با موضوع، به چگونگی ایجاد معماری معنوی در شهر اختصاص دارد، یعنی به این که چگونه می‌توان از طریق طراحی فیزیکی محیط ساخته‌شده، به کاربران اجازه داد معنای بیشتری را در محیط اطراف خود بیابند. برای نمونه، برخی از این پژوهش‌ها به معنویت‌های شرق دور توجه دارند (پرچ و سینکلر، ۲۰۱۳: ۸۷-۸۰؛ تریسنو و دیگران، ۲۰۲۰: ۴۸-۴۰) و برخی بر معنویت اسلامی در جوامع عربی متمرکز شده‌اند و معماری ارزش‌گرا و انسانی را در مقابل فرمالیسم سطحی معماری غرب قرار داده‌اند (الحسینی و الحسینی، ۲۰۱۲: ۷۲۲-۷۱۰). اما بیشتر پژوهش‌هایی که چنین رویکردی دارند، برداشت‌هایی عمومی‌تر از معنویت داشته و آن را به دین خاصی اختصاص نمی‌دهند، بلکه انسان معاصر را نیازمند معنویت می‌دانند و می‌وشند معماری و طراحی شهری را در جهت برآوردن این نیاز هدایت

کنند (باری و پرمودز، ۲۰۱۹: ۳۴۵-۳۵۵؛ برمودز، ۲۰۱۴: ۱-۱۴؛ ۲۰۱۶: ۱۱۵-۱۰۴).

ب) شماری از پژوهش‌ها تنها به توضیح و تفسیر ویژگی‌ها و مؤلفه‌های معماری مقدس، یعنی معماری مکان‌ها و بناهای دینی و نقش آن در امور فرهنگی و معنوی پرداخته‌اند (باری، ۲۰۱۰).

ج) تعداد رو به افزایشی از تحقیقات، طراحی گردشگاه‌های شهری را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این گونه تحقیقات، نخست، سودمندی روانی-اجتماعی-معنوی تفرجگاه‌های طبیعی در شهر و تأثیر آن‌ها بر معنویت و سلامت عمومی جامعه را بررسی می‌کنند (سونسن و دیگران، ۲۰۱۶: ۹۰۷-۸۸۱؛ باور، ۲۰۱۸: ۲۵-۱).

د) کتاب‌ها و آثاری نیز با اتخاذ رویکردی دینی و با به‌کارگیری برخی از مفاهیم دانش اجتماعی و شهرسازی کوشیده‌اند اندیشه‌های یک دین خاص (مثلاً مسیحیت) را دربارهٔ ویژگی‌های شهر معنوی تشریح کنند (شلدریک، ۲۰۱۴).

در جامعهٔ ایران، دربارهٔ موضوع رابطهٔ شهر و معنویت، پژوهش‌های ارزشمندی در چند دههٔ اخیر صورت گرفته است. پژوهش‌های داخلی دربارهٔ این موضوع را نیز می‌توان به چند دستهٔ اصلی تقسیم کرد:

۱. دستهٔ اول که بیشترین فراوانی را دارد، پژوهش‌هایی هستند که اولاً نظری مستقل به معنویت ندارند و نهایت توجه ایشان به این مقوله، توجهی ضمنی در کنار دیگر آموزه‌های دینی است و ثانیاً با داشتن رویکردی بیشتر کلامی و کمتر شهری (شهرسازی و معماری)، مفاهیمی کلی را از منابع دین اسلام اتخاذ کرده‌اند و تحقق شهرسازی اسلامی را مبتنی بر رعایت آن اصول می‌دانند. به عنوان نمونه، برخی از این پژوهشگران اصولی کلی را دربارهٔ طراحی و مدیریت شهری از سیرهٔ رسول اکرم ۹م در شهر مدینه اتخاذ کرده‌اند، مانند تغییر و تحول ساخت قبیله‌ای به ساخت شهری، مشاوره، ایجاد همبستگی میان قومیت‌ها، توجه به نقش اجتماعی زنان، توجه به عرصه‌های اقتصادی، جوان‌گرایی در مدیریت شهری، ثبت آمار، مسجد به عنوان فضای چندکاربردی و مرکز مدیریت شهری، توسعهٔ فضای سبز، ساماندهی بی‌خانمان‌ها و غیره (ستاری ساربانقلی، ۱۳۹۰: ۱۱-۲۴)، برخی دیگر، ارزش‌هایی کلی را برای تعالی انسان در زندگی شهری از منابع اسلامی

استنباط کرده‌اند، مانند بسترسازی برای اشتغال، تفریح و سلامت جسمی، نظارت عمومی و توجه به اظهار شعائر دینی در عرصه شهر و غیره (معین مهر و دیگران ۱۳۹۳: ۱۱۹-۱۳۵). دسته دیگر، مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی-اسلامی، همچون امنیت، عدالت اجتماعی، بهداشت، همسایگی و غیره را بر اساس تعالیم اسلام و سوابق شهرسازی ایرانی-اسلامی به دست آورده‌اند و معتقدند این مؤلفه‌ها می‌تواند به عنوان راهنما برای ایجاد فضاهای شهری اسلامی و ایرانی، افزایش کیفیت زندگی، افزایش تعاملات اجتماعی، مشارکت اهالی در محله، تحقق عدالت اجتماعی و شکوفایی اقتصادی استفاده شود (کلانتری خلیل‌آباد و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۷-۱۷)، دسته‌ای از این پژوهشگران نیز با بررسی افکار آرمان‌شهرگرایان مسلمان نشان داده‌اند عبودیت خداوند، توجه به معنویت و روحانیت حیات انسان، احترام به انسانیت و کوشش در راستای رشد کرامت‌های انسانی، وحدت و عدالت از جمله ویژگی‌های مهم آرمان‌شهرهای اسلامی است. از منظر این پژوهشگران، آرمان‌شهر اسلامی کالبد و شکلی ثابت ندارد، بلکه کالبد آن با توجه به اصول و ابعاد ذهنی مذکور، منطبق با شرایط زمانی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی به وجود خواهد آمد (افزادی و احمدی ۱۳۹۱: ۲۹-۳)، گروهی دیگر، با کاربست رویکردی فقهی و با رجوع به قرآن و روایات، تجلی مثلاً اصل حقوقی «لاضرر و لااضرار» را در معماری مسکونی و شهری بررسی کرده‌اند و رعایت حقوق همسایگی، حقوق زن، حقوق والدین و فرزندان، حقوق مهمان، حق ساخت‌وساز و غیره را از موارد آن و اصولی برای شهر و خانه‌های ایرانی-اسلامی دانسته‌اند (حیاتی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۹۸-۲۶۷) در نهایت پژوهشگرانی با تکیه بر مفهوم حیات پایدار در محله و شهر و با توجه به این که کمال زندگی در نگاه دینی رسیدن به حیات طیبه است و برای این هدف باید به ابعاد معنوی و روحانی حیات نیز توجه شود، بُعد معنایی حیات پایدار را معرفی کرده‌اند و با افزودن آن به ابعاد سه‌گانه دیگر، یعنی بُعد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، کوشیده‌اند تصویری جامع از معماری سازگار با آموزه‌های اسلامی در جهت حیات و سرزندگی محلات ارائه نمایند (معین مهر و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۷-۶۹).

۲. پژوهش‌های دسته دوم که از حیث فراوانی در رتبه بعدی قرار می‌گیرند، خود معنویت یا دست‌کم،

پدیده‌ای بسیار مرتبط با آن را در مرکز توجه قرار داده‌اند و رابطه آن را با معماری و طراحی بناها یا محل‌های خاصی از شهر بررسی کرده‌اند که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره نمود: مطالعه دلالت نشانه‌های معنادر بنای آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی و ادارک معانی عرفانی در ذهن بازدیدکنندگان از آن نشانه‌ها (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۴-۴۳)، عوامل مؤثر بر ادراک حس معنویت در فضای داخلی مسجد نصیرالملک شیراز (بایزیدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۴-۴۵)، مطالعه دو مسجد از عصر صفویه، به دلیل کاربرد هنرمندانه ویژگی‌های کیفی نور در آن‌ها در جهت ایجاد احساس معنویت در فرد، و مقایسه این دو مسجد از این لحاظ با دو مسجد معاصر (هومانی‌راد و شرفی‌نفر، ۱۳۹۴: ۱۳-۱)، مقایسه میان مسجد سپهسالار، ساخته‌شده در دوره قاجار و مسجد امام رضا، ساخته‌شده در دوره معاصر و سنجش تأثیر فرم مسجد بر القای حس معنویت (پورمهابادیان و یوسفی، ۱۴۰۰: ۳۰-۲۲). در این موارد، معمولاً چنین تصور می‌شود که گسترش معماری معنوی بناهای خاص به کالبد شهر، زمینه‌ای برای پیدایش شهر معنوی فراهم می‌کند.

۳. دسته معدودی از پژوهش‌ها با رویکرد معماری، در حالی که شهرسازی معاصر را دچار بحران معنویت یا هویت می‌دانند، گاهی با الهام از شهرسازی در دوره صفویه، به دنبال راهی برای تجسم بخشیدن به مفاهیم و پیام‌های معنوی در طراحی فضاهای شهری معاصر هستند (احمدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۰-۶۳) و گاهی به دنبال فراهم آوردن امکانی برای تلفیق هنر طراحی فضاهای شهری با هنر و معنویت اسلامی می‌باشند؛ هنری که بتواند ادراکات و احساسات معنوی را برانگیزاند و باورها و ارزش‌های اعتقادی مردم را یادآور شود (دانشپور و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸۷-۱۷۰).

۴. تعداد اندکی از مطالعات شهرسازی نیز به بررسی رابطه محیط طبیعی و تفریحگاه‌های شهری با سلامت روانی و معنویت در جامعه - که به تازگی مورد تأکید طراحان شهری معاصر قرار گرفته است - روی آورده‌اند (آراسته و حیدرزاده، ۱۳۹۹: ۱۱۱-۹۵).

همان طور که مشاهده می‌شود از پژوهش‌های چهارگانه بالا، چه خارجی چه داخلی، برخی کمتر و برخی بیشتر با موضوع شهر معنوی ارتباط دارند. بیشتر پژوهش‌های داخلی (دسته اول) مفاهیمی بسیار کلی

را مطرح کردند که برای کارایی و کاربرد در شهرسازی نیازمند عملیاتی شدن هستند. اما چنان که پیشتر هنگام بیان پرسش‌های تحقیق اشاره شد، در این مقاله مباحثی با صبغه بیشتر اجتماعی پی‌جویی می‌گردد که اگرچه نسبت به پژوهش‌های مرتبط بالا جنبهٔ مقدماتی دارد، مورد توجه قرار آن‌ها نگرفت‌اند. نخست باید بدانیم که از معنوی بودن یک شهر چه تصور و توقعی داریم و بنابراین باید چه شرایطی را برای رسیدن به آن فراهم کنیم.

۲. شهر معنوی

مبنایی‌ترین نقطهٔ آغاز برای داشتن یک شهر معنوی این است که مقصودمان را از شهر معنوی روشن کنیم. آیا مقصود از شهر معنوی، شهری است که مکان‌های عمومی، خیابان‌ها و دیوارهای آن پر از شعارها و عکس‌ها و تابلوهای تبلیغ دینی است؟ آیا شهر معنوی، شهری است که ساکنان و واردشوندگان به آن به هر سو می‌نگرند، آموزه‌ای از آموزه‌های دینی یا تصویری از بزرگان و نخبگان دینی یا معنوی را می‌بینند؟ آیا شهر معنوی، شهری است که مساجد، زیارتگاه‌ها و ساختمان‌های انجام مراسم دینی در آن فراوان و با شکوه ساخته می‌شود و هیچ محله، کوی و برزنی نیست که در آن مکانی دینی وجود نداشته باشد؟

تردید نیست که ویژگی‌های یادشده می‌توانند ویژگی‌های یک شهر معنوی باشند، مشروط بر این که رابطهٔ آن‌ها با عامل انسانی موجود در شهر در نظر گرفته شود. شهر فقط ساختمان‌ها و خیابان‌ها و به طور کلی محیط ساخته‌شده را دربر نمی‌گیرد، بلکه مردمی را که در آن زندگی می‌کنند و ذهنیت این مردم از محیط اطراف خود و به اصطلاح، «حس مکان» ایشان را نیز دربر می‌گیرد. نزد متخصصان اجتماعی و شهرسازی، هیچ‌گونه جدایی میان طرح فیزیکی شهر و اجتماع شهری قابل تصور نیست و در نهایت، آن چه شهر را شهر می‌سازد، مردمی هستند که توسط پیوندی اجتماعی و حسی مشترک نسبت به مکان، به یکدیگر متصل شده‌اند، نه معماری، طراحی یا آرایش محض به‌تنهایی (شلدریک، ۲۰۱۴: ۷-۸). در هر صورت، اگرچه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و آرایش شهر را مردم ایجاد می‌کنند، معماری، طراحی و ظاهر ایجادشده، به‌نوبهٔ خود تأثیر نیرومندی بر ایشان و اجتماع انسانی موجود در شهر می‌گذارد.

بنابراین، اگر مکانی قرار است معنوی باشد، باید رابطهٔ میان فیزیک شهری و اجتماع شهری را از هر دو

طرف در جهت معنویت به کارگیرد، یعنی اولاً باید گردانندگان اجتماع شهری، مدیران و طراحان شهری، نیاز معنوی ساکنان (نه فقط نیاز و عقیده خودشان) را دقیق بشناسند و به ظرفیت انسانی برای رشد معنوی اذعان کنند و آن را محترم شمارند، و ثانیاً معماری و طراحی محیط شهری به گونه‌ای صورت گیرد که بر معنویت شهرنشینان تأثیر مثبت بگذارد و نیاز معنوی ایشان را برآورد. به سخن دیگر، شهر معنوی، شهری است که کنش دوطرفه میان محیط ساخته‌شده و طرح فیزیکی شهر از یک سو، و ساکنان و اجتماع شهری از سوی دیگر، بستری مناسب را برای رشد معنوی مردم شهر فراهم می‌کند.

در غیر این صورت، مثلاً اگر مدیران و طراحان شهری، صرفاً براساس عقیده دینی خود درباره معنویت، یا مطابق برداشت خود درباره نیاز معنوی ساکنان، معماری و طراحی کنند یا دیوارها و مکان‌های عمومی را بیاریند و شهر را از نمادهای دینی و معنوی پر کنند، به فرض که تأثیر منفی هم نداشته باشند و به ایجاد بی‌تفاوتی نسبت به نمادهای مقدس یا دلزدگی از تکرار زیاد آن‌ها دامن نزنند، معلوم نیست بتوانند نیازهای معنوی مردم شهر را برآورند و به رشد معنوی ایشان کمک کنند و در نهایت، شهری معنوی بسازند. بنابراین، در گام بعدی باید بینیم نیازهای معنوی مردم شهر دقیقاً چیست و چه ویژگی‌هایی در شهر می‌تواند برای رفع آن نیازها مفید باشد. ولی پیش از آن، این پرسش مهم مطرح می‌شود که چرا طراحی و شهرسازی معنوی را برای رفع نیاز معنوی به کار می‌گیریم، آیا نمی‌توانیم از آن برای ساختن یا تغییر نیاز مردم استفاده کنیم؟

۳. شهر و نیاز معنوی

همان طور که بیان شد، شهر معنوی، شهری است که بستری مناسب برای رشد معنوی ساکنان خویش فراهم می‌کند. حال، جای طرح این مسئله است که آیا رشد معنوی مردم تنها در گرو برآوردن نیاز معنوی ایشان است؟ یعنی برآوردن آن چه به آن احساس نیاز می‌کنند، یا افزون بر آن، مدیریت نیاز، یعنی ساختن، تغییر یا اصلاح احساس نیاز ایشان را نیز در بر می‌گیرد؟

پاسخ پرسش بالا این است که شهر معنوی در واقع، بستر رشد معنوی ساکنان خود است و رشد معنوی مستلزم انجام هر دو فعالیت با هم است، یعنی باید نیازهای موجود برآورده گردد. تعلل در دادن پاسخ مناسب

به احساس نیاز، پیامدهای فرهنگی ناخوشایندی خواهد داشت. اما همزمان نباید از فرایند طولانی‌تر مدیریت نیاز و جهت دادن به احساس نیاز در اجتماع شهری غافل بود. البته در این جا، توجه به دو نکته ضرورت دارد: الف) معنویت را هر گونه تعریف کنیم از جنس دین‌داری است و همان طور که نمی‌توان دین‌داری را با اکراه و اجبار در آدمیان سامان داد، اصل وجود معویت و ویژگی‌های آن نیز، امری اختیاری و وابسته به انتخاب فرد است. بنابراین، مدیریت نیاز معنوی تنها با فرایند متقاعدسازی ممکن خواهد بود، یعنی فرد باید متقاعد شود و با اختیار خود بپذیرد که نیازمند معنویتی خاص است.

ب) این در حالی است که متقاعدسازی درباره احساس نیاز، به‌ویژه نیازهایی همچون نیاز معنوی، امری بسیار دشوار است؛ زیرا احساس نیاز در آدمیان، با نگرش‌های ایشان مرتبط است و تمام روان‌شناسان اجتماعی، بدون استثنا، مدیریت و تغییر نگرش را کاری بس دشوار می‌دانند. به‌طور خلاصه، نگرش، عقیده‌ای در فرد است که با ارزش‌گذاری‌هایی توسط او همراه است و در نتیجه، فرد در برابر متقاعدسازی و مدیریت نگرش‌هایش توسط دیگران، به روش‌های مختلف ایستادگی می‌کند تا بتواند از علایق و ارزش‌های خویش دفاع کند (ر.ک. ارونسون، ۱۳۷۹: ۱۵۷-۹۳).

بنابراین، بهتر است مدیران شهری بخش اصلی مدیریت نیاز معنوی (ساختن، تغییر یا اصلاح احساس نیاز) را به سازمان‌های تبلیغی و ارشادی بسپارند تا ایشان- در جایی که لازم است- با استفاده از کاربرد روش‌های علمی تبلیغ متقاعدگرانه، در راستای اصلاح نگرش‌ها و جهت دادن به نیازهای معنوی مردم، تلاش‌هایی را در درازمدت برنامه‌ریزی کنند و امیدوار باشند در آینده دور یا نزدیک به ثمر بنشینند. اما بهتر است هنر معماری و طراحی شهری در درجه نخست، بیشتر بر برآوردن نیازهای معنوی اجتماع شهری متمرکز شود تا کار دشوارتر مدیریت نیاز.

در هر حال، خواه مدیریت نیاز معنوی و خواه برآوردن آن در انسان‌ها، مستلزم برآوردن نسبی نیازهای دیگری است که در سلسله مراتب نیازها، پایین‌تر یا ابتدایی‌تر از نیاز معنوی هستند. بیشتر انسان‌ها به‌طور عادی و در شرایط معمولی، هنگامی به نیاز معنوی خود می‌پردازند و به معنویت احساس نیاز می‌کنند که در

برآوردن نیازهای ابتدایی تر خویش دچار مشکلات حاد و ناکامی نشده باشند. مزلو در ابتدای تحقیقات خود، پنج نیاز اساسی در انسان‌ها شناسایی کرد که عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیک (جسمانی)، ایمنی، عشق یا محبت، احترام و خودشکوفایی. او معلوم کرد که این نیازها سلسله مراتبی هستند و وقتی یکی از نیازها به خوبی ارضا می‌شود، نیاز اساسی بعدی (بالتر) ظاهر می‌شود و به نوبه خود، بر زندگی آگاهانه فرد تسلط می‌یابد (مزلو، ۱۹۴۳: ۳۹۶-۳۷۰). چند دهه بعد، مزلو ادعا کرد برای فهم برخی از رفتارهای انسانی، یک سطح انگیزشی ششم، بالاتر از نیاز خودشکوفایی نیز لازم است که مربوط به تجارب اوج^۱ در فرد می‌شود (مزلو، ۱۹۶۱: ۲۶۲-۲۵۴). مزلو، این سطح ششم را عنوان تعالی از خود^۲ (خود-تعالی) نامیده است، یعنی ویژگی افرادی که برای پیشبرد هدفی فراتر از خود تلاش می‌کنند که ممکن است این گونه موارد را دربرگیرد: خدمت به دیگران، از خودگذشتگی در راه یک ایده آل (برای مثال، حقیقت یا هنر) یا یک هدف (برای مثال، عدالت اجتماعی، طرفداری از محیط زیست، جستجوی علم، ایمان دینی) و یا آرزوی اتحاد با آنچه متعالی یا الهی تلقی می‌شود. این همان نیازی است که دیگران آن یا بخشی از آن را نیاز معنوی نامیده‌اند. مزلو در آثار خود برای اشاره به تفاوت این نیازها با یکدیگر از نیازهای بالاتر و نیازهای پایین تر نام می‌برد و نشان می‌دهد که این نیازها تفاوت‌های عملکردی و روانی دارند. نیازهای اساسی شش‌گانه، خود را در یک سلسله مراتب تقریباً معین بر پایه اصل توان نسبی مرتب می‌کنند. برای مثال، نیاز پایین تر ایمنی، توان نسبی بیشتری از نیاز بالاتر عشق دارد؛ زیرا هنگامی که آدمی در هر دو نیاز ایمنی و عشق دچار ناکامی می‌شود، نیاز ایمنی بر فرد غلبه می‌یابد (مزلو، ۱۹۵۴: ۹۸-۹۷).

بر اساس ترتیب روان‌شناختی یادشده میان نیازها- اگر چه این ترتیب همانند همه دستاوردهای علمی، نه مطلق و دائمی، بلکه دست‌کم نسبی و اکثری است- تا نیازهای فیزیولوژیک، ایمنی، عشق، احترام و خودشکوفایی در اجتماع شهری برآورده نشده باشد، نمی‌توان از مردم انتظار توجه مناسب به نیاز معنوی

1. Peak Experiences
2. self-transcendence

داشت. مردمی که دغدغه اصلی زندگی‌شان برآوردن نیازهای اولیه برای زنده ماندن، ایمنی یا آبروست، یا مردمی که هنوز گرفتار حفظ کرامت انسانی خویش یا شکوفایی استعدادهای درونی خود هستند، آمادگی و ازخویشتر آزادی کمتری برای پیگیری نیازهای متعالی و معنوی دارند و ازاین‌رو اصلاً نسبت به معنویت احساس نیاز نمی‌کنند. بنابراین، مدیران شهری باید نخست یا دست‌کم، همزمان با اندیشیدن درباره رشد معنوی (مدیریت و برآوردن نیاز معنوی)، در عمل به تأمین نسبی نیازهای پایین‌تر و ابتدائی‌تر ساکنان شهر همت جدی بگذارند.

۴. معنویت شهری

در تأمین و تقویت نیاز معنوی شهر، هنر معماری و طراحی شهری باید در درجه نخست، بر برانگیختن احساسات، تأملات و تجارب معنوی و برآوردن نیازهایی متمرکز شود که از بیشترین اشتراک در اجتماع شهری برخوردار هستند. آن احساس نیاز معنوی که میان بیشتر ساکنان شهر با علایق گوناگون دینی و معنوی مشترک است، یا به سخن دیگر، آن ویژگی‌های معنوی مشترکی را که بیشتر مردم جامعه به آن‌ها احساس نیاز می‌کنند به طور اختصار، معنویت شهری می‌نامیم. دانش و هنر شهرسازی از طریق برنامه‌ریزی برای تقویت معنویت شهری، می‌تواند به بیشترین موفقیت در رشد معنوی اجتماع شهری دست یابد. توجه داشته باشیم که اولاً در این بحث (بحث شهرسازی) ادعا این است که معنویت شهری مناسب‌ترین معنویت یا مناسب‌ترین ویژگی‌های معنوی برای برنامه‌ریزی شهری است، نه این که به‌طور مطلق و یا از دیدگاه کلامی معتبرترین معنویت باشد؛ ثانیاً برنامه‌ریزی برای رشد معنویت شهری، با فعالیت مدیریت نگرش و اصلاح نیاز که در مبحث پیشین بیان شد، منافاتی ندارد؛ زیرا در تقویت معنویت شهری، بحث از رشد و تقویت مشترکات است، نه ویژگی‌های اختصاصی یک معنویت خاص. اما چرا باید معنویت شهری را ملاک عمل در شهرسازی قرار دهیم؟ و این ویژگی‌های معنوی مشترک چیست؟

پاسخ پرسش اول در توجه کردن به مهم‌ترین تحول اخیر در دوران معاصر است که هیچ اجتماع شهری از پیامدهای خوب یا بد آن برکنار نمانده است، یعنی جهانی‌شدن. معمولاً جهانی‌شدن را دارای دو بُعد یا دو

مؤلفه می‌دانند: یک بُعد آن، فشردگی (زمانی و مکانی) جهان، متأثر از فراوانی، گستردگی و شدت یافتگی ارتباطات است. این بُعد را می‌توان جهانی شدنِ مادی نامید. بُعد دیگر آن، تشدید (یا تراکم) آگاهی نسبت به جهان به مثابه یک کل می‌باشد که می‌توان آن را جهانی شدنِ ذهنی نامید (ر.ک. رابرتسن، ۱۹۹۲). در عصر جهانی شدن، وابستگی متقابل جهانی و ضرباهنگ تند تغییرات ناشی از آن، دنیا را آکنده از مخاطرات، نابرابری‌ها و مشکلاتی کرده است که مرزهای شهری و ملی را در می‌نوردند. برای مثال، کنترل شیوع بیماری‌های مسری، مقابله با پیامدهای گرم شدن زمین، تنظیم بازارهای بی‌ثبات مالی و رفع بسیاری مسائل دیگر از عهده و توان حکومت‌های منفرد خارج است. جهانی بودن بسیاری از فرایندهایی که جوامع فعلی را دستخوش تأثیرات خود می‌کنند، مستلزم همکاری کشورها برای حل و فصل مسائل جهانی به شیوه‌های فراملیتی است. امروزه، نمی‌توان برای دست‌کم، شماری از مشکلات شهری، راه‌حل‌های صرفاً محلی یا ملی اندیشید. شهرهای کنونی، درگیر ارتباطاتی فراوان (به لحاظ تعداد و انواع مختلف حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی)، گسترده (به لحاظ فاصله با نقاط دیگر جهان) و شدت یافته (به لحاظ میزان اثرگذاری و اثرپذیری) با دیگر شهرهای دنیای معاصر هستند و راه‌حلی‌هایی که این ارتباطات و تأثیرات آن بر مردم شهر را نادیده یا کم‌اهمیت می‌انگارند، نمی‌توانند کاملاً مفید واقع شوند؛ زیرا ارائه‌دهنده راه‌حل، پیش از آن، دامنه مسئله و چیستی آن را به درستی نشناخته است.

همان‌طور که در مقدمه مقاله اشاره شد، بحران معنا و نیاز به معنویت، امروزه یکی از همین مسائل جهانی است و در پاسخ به آن، رشد معنویت‌گرایی و افزایش تقاضا برای معنویت در شهرهای معاصر-معنویت‌هایی که گاه، انطباق کاملی با برداشت‌های سنتی از دین ندارند- نیز روندی جهانی است (ر.ک. سعیدی ۱۳۹۶؛ همو، ۱۳۹۷: ۳۶-۲۱). در این شرایط، اگر معنویت را بسیار تنگ‌دامنه، محدود و محلی تعریف کنیم و مدیریت شهری را تنها برای تقویت آن به‌کار گیریم- اگر موجب دین‌گریزی در بخشی از مردم نشویم- موفقیت‌چندانی هم در رشد معنوی همه اجتماع شهری به دست نخواهیم آورد. پس، باید برداشتی از معنویت و ویژگی‌های معنوی را ملاک عمل قرار دهیم که بیشترین اشتراک را در اجتماع شهری دارد و

بخش عمده مردم شهر خود را نیازمند آن احساس می‌کنند. اکنون پرسش دوم مطرح می‌شود که آن ویژگی‌های معنوی مشترکی که بیشتر مردم شهر به آن‌ها احساس نیاز می‌کنند، کدام است؟ یا به سخن دیگر، چگونه می‌توان معنویت شهری را تعریف کرد و بازشناخت؟

افراد یک اجتماع شهری اغلب برداشت‌ها و تعریف‌های متفاوتی از معنویت دارند و ممکن است نیازهای معنوی متفاوتی، احساس و ابراز کنند. در نتیجه، بهترین و دقیق‌ترین روش برای تعریف معنویت شهری و بازشناسی نیاز معنوی یک اجتماع شهری، مراجعه به خود ایشان است. اما روشن است که در مراجعه به میدان نیز محقق در گام نخست باید به اجمال بداند در پی شناسایی چه مفاهیمی است و بنابراین، باید تعریفی - اگر چه مجمل - از معنویت داشته باشد و میدان را به کمک آن بکاود. با توجه به ارتباطات فراوان، گسترده و شدت یافته در شهرهای امروزی و روند جهانی معنویت‌خواهی که پیشتر بیان شد، بهترین تعریف، تعریفی است که عام، شامل و تا جایی که ممکن است مشترک باشد و به دین یا آیینی خاص اختصاصی نداشته باشد.

نگارنده در مقاله‌ای دیگر، از میان شماری از تعاریف مهم که توسط متخصصان رشته‌های مختلف، مانند الهیات و کلام، فلسفه دین و علوم رفتاری، نظیر روان‌شناسی و روان‌درمانگری ارائه شده است، و به کمک دو ملاک (۱) شمول و (۲) تفاهم عرفی، تعریفی از معنویت را برگزید که اولاً همه تعاریف مهمی را که متفکران صاحب‌نظر از نحله‌های مختلف فکری و علمی ارائه داده‌اند، تقریباً پوشش می‌دهد و آن وجه مشترکی را بیان می‌کند که معنویت‌های مختلف، مصادیق و سبک‌ها و راه‌های متفاوت تحقق آن هستند؛ ثانیاً از فهم عرفی در کاربرد رایج واژه معنویت نیز دور نیست (سعیدی ۱۳۹۹ «الف»: ۱۶۰-۱۵۱). تعریف گزینش شده عبارت است از: فرایند جستجوی نسبتاً پایدار امر قدسی در زندگی.

اما همان‌طور که پیشتر اشاره کردم و در جایی دیگر نیز توضیح داده‌ام، تعاریفی که متخصصان علوم فلسفی، کلامی یا روان‌شناسی و روان‌درمانی از معنویت ارائه کرده‌اند، هر چند برای شناخت واقعیت بیرونی راه‌گشا و لازم است، انعکاس کامل همه ویژگی‌های معنویت شهری، یعنی آن واقعیت مشترک در اجتماع

شهری نیست. ما می‌توانیم به عنوان یک دین‌شناس یا متخصص فلسفه و کلام، به کمک تحقیق شخصی در منابع دینی یا متون فلسفی و کلامی یا به عنوان یک روان‌شناس یا روان‌درمانگر، با استفاده از مشاهده آزمایشگاهی گروه‌های کوچک یا مصاحبه‌های بالینی با مراجعه‌کنندگان، تعریفی برای معنویت ارائه کنیم، ولی این روش، ما را به همه واقعیت مورد نیاز برای کاربرد در شهرسازی نمی‌رساند. برای این منظور، مجبوریم جامعه‌شناسانه‌تر عمل کنیم. در جامعه‌شناسی، محققان به پژوهش‌های میدانی با دامنه‌ای گسترده‌تر از تحقیقات فردی دینی یا عقلی - الهیاتی یا پژوهش‌های بالینی یا آزمایشگاهی می‌پردازند. در این جا، برای بازشناسی معنویت شهری و نیاز معنوی مشترک در اجتماع شهری باید تعریف عام و گسترده پیش‌گفته را عملیاتی کنیم، وارد میدان تحقیق شویم، نمونه‌گیری کنیم و با روش‌های پیمایشی و به کمک همان تعریف عام، ویژگی‌های مشترک معنوی را بسنجیم. در این صورت می‌توانیم به کمک متخصصان شهری، معماری و طراحی شهری را برای رشد همان ویژگی‌ها و برآوردن نیاز معنوی مشترک به کار گیریم.

مسئله‌چنین پژوهشی مستلزم زمان و هزینه زیادی است و باید به عنوان یک طرح میدانی مستقل تعریف شود. این مقاله همان‌گونه که تا کنون فقط مقدماتی را یادآور شد که پیش از این مورد توجه قرار نگرفته بودند، در ادامه نیز برای عملیاتی کردن تعریف مورد نظر و انجام پژوهش یادشده، راهنمایی‌هایی سودمند برای مدیران شهری عرضه می‌کند و زمینه را برای ورود هنر معماری و طراحی به کار ساختن شهر معنوی آماده می‌کند.

۵. عملیاتی کردن معنویت شهری

مراحل ذیل، مراحل آغازین عملیاتی کردن تعریف عامی است که برای معنویت شهری بیان کردیم: «فرایند جستجوی نسبتاً پایدار امر قدسی در زندگی». البته، در این جا، مقصود از عملیاتی کردن، تنها عملیاتی کردن یک تعریف مفهومی و برگرداندن آن به امور قابل‌سنجش در یک پژوهش تجربی، برای به دست آوردن ویژگی‌های معنویت شهری نیست، بلکه افزون بر آن، کاربردپذیر کردن ویژگی‌های معنویت شهری در هنر شهرسازی را نیز در بر می‌گیرد. با وجود این، تمام راه عملیاتی کردن در این مقاله پیموده نمی‌شود، بلکه تنها به راهنمایی‌های مقدماتی بسنده می‌گردد و کار مقاله جایی به پایان می‌رسد که نقطه آغاز فعالیت پژوهشگران

اجتماعی برای سنجش معنویت شهری، و پژوهشگران طراحی و معماری برای جای دادن (مثلاً نمادپردازی) معنویت شهری در محیط ساخته شده در شهر است.

۵-۱. توضیح مفهومی معنویت شهری

مفاهیم تعریف «فرایند جستجوی نسبتاً پایدار امر قدسی در زندگی» در مقاله مربوط به آن، به تفصیل تبیین شده است (سعیدی ۱۳۹۹: ۶۳-۵۳)، بنابراین بیان خلاصه و نتیجه آن برای بحث ما در این پژوهش کافی است. بنا بر تمام ملاحظات لغوی و توضیحات مربوط به اصطلاح مقدّس، مقصود از امر قدسی، در تعریف مورد نظر از معنویت، قدرت یا قدرت‌های برتر و منزه در باور و اندیشه آدمی است؛ خدا، معبودها و الهه‌ها، یا هر امر متعال و ماورائی^۱ که بشر خود را مقهور آن، یا وابسته به آن احساس می‌کند. فرایند جستجو را نیز می‌توان شامل دو مرحله اصلی کشف و حفظ امر قدسی دانست. مقصود از کشف کردن و یافتن امر قدسی، ایجاد رابطه، درک حضور، و احساس نزدیکی به امر قدسی است. این کشف و برقراری رابطه با امر قدسی، به روش‌ها و سبک‌های مختلفی انجام می‌شود؛ مانند نیکوکاری‌های مؤمنانه و مخلصانه، و انجام آیین‌های عبادی و معنوی، همچون ذکر و ورد، مراقبه (مدیتیشن)، نماز و شکر و روزه و شب‌زنده‌داری و زیارت و غیره. کشف امر قدسی به معنایی که بیان شد، ممکن است منشأ احساسات دیگری در آدمی شود؛ مانند احساس مخلوقیت، احساس رازآلودگی، هیبت‌ناکی، عظمت و جذبۀ امر قدسی، احساس عشق و شوق به او، احساس الهامات قدسی از جانب او، و احساس قرب به او، بلکه وحدت با او و با عالم مخلوقات او.

مقصود از حفظ امر قدسی، حفظ ارتباط با امر قدسی، و تداوم دادن به تجارب معنوی است که در مرحله کشف، نصیب آدمی شده است. مثلاً گاهی ممکن است اعتقاد به امر قدسی، یا ارتباط با آن، از جانب اطلاعات جدید، با تهدیداتی روبرو شده، و عملاً در معرض آسیب و بی‌حرمتی قرار گیرد. در این صورت،

1. Transcendent

ترنسندنت که معمولاً متعال ترجمه می‌شود، در لغت، به معنای چیزی است که از محدودیت‌های عادی فراتر می‌رود، و در اصطلاح به معنای واقعیتی ماوراء جهان طبیعی، و یا واقعیتی ماوراء ذهن بشری است.

ممکن است اطلاعاتی که منشأ این تهدیدات هستند، توجیه، تصفیه، بلوکه یا تحریف شوند. گاهی اتفاق می‌افتد که افراد، خود، از مسیر معنوی منحرف می‌شوند؛ در این صورت، راه‌های بازگشت به امر قدسی، مانند اعتراف به خطاها، توبه کردن، قربانی کردن، انزوای اجتماعی، تنبیه نمودن خود، جبران خطاها، تطهیر و تزکیه دل و غیره، شیوه‌هایی برای نگهداری و حفظ امر قدسی می‌باشند. گاهی نیز برخی رویدادهای منفی و کمبودهای مهم در زندگی ممکن است اعتقاد، احساس و رابطه با امر قدسی را تهدید کنند که در این گونه موارد نیز روش‌هایی مانند در نظر گرفتن یک طرح و هدف مقدس و دلپذیر و رای فاجعه و حادثه تلخ، یا تفسیر آن به عنوان فرصتی برای رشد معنوی، یا استناد آسیب و فقدان به یک اراده برتر، مهربان و حکیم که نمی‌توان مقصود و حکمت او را در همه موارد درک کرد و غیره، باور افراد و ارتباط ایشان را با امر قدسی حفظ می‌کنند.

۵-۲. توضیح انگیزه‌های احتمالی برای معنویت شهری

برخی از انگیزه‌های جستجوی امر قدسی در زندگی، وجودشناختی هستند. برای مثال، گاهی این طور گفته می‌شود که انسان در جستجوی جاودانگی و نامیرایی جهت تداوم همیشگی ارضای نیازهایش است (نیروی انگیزشی)، ولی به تجربه می‌فهمد که ارضای جاودانه در این دنیا ممکن نیست، اگر هم ممکن باشد، به علت سازش‌یافتگی حواس و ذهن انسانی در رویارویی مکرر با تجارب تکراری، کسالت‌آور است (توانایی شناختی). گاهی نیز چنین اظهار می‌شود که انسان در جستجوی لذت و گریز از درد و رنج است. این لذت در قالب رفع نیازهای جسمی و روانی حاصل می‌شود (نیروی انگیزشی)، ولی از سوی دیگر می‌فهمد که لذت بیشتر و ارضای بیشتر نیازها، بالقوه درد و رنج بیشتری را در خود می‌پروراند، و درد و رنج در این دنیا گریزناپذیر است (توانایی شناختی). شرایط بنیانی یا خودشناسی وجودی توصیف‌شده در بالا، ممکن است کم یا بیش، نارضایی‌هایی وجودی و خلاق را در برخی از انسان‌ها به وجود آورد و ایشان را به جستجوی چیزی متفاوت از تجارب عادی زندگی در دنیا وادارد؛ چیزی جاودانه، تغییرناپذیر، قدرتمند و قابل اتکا برای ارضای همه نیازها و رفع همه نقص‌ها، چیزی که با وجود آن بتوان از نیستی‌هایی یافت و به بالاترین لذت‌ها و کم‌ترین رنج‌ها رسید (قربانی، ۱۳۸۳: ۹۴-۸۹). اما برخی دیگر از انگیزه‌های جستجوی امر قدسی ممکن

است صرفاً زیبایی شناختی باشد، یعنی جستجو فقط به منظور درک حضور و زیبایی امر قدسی و لذت حاصل از ارتباط نزدیک با او انجام می‌گیرد (باری و برموز، ۲۰۱۹: ۳۴۶).

تا این جا برای پژوهشگران اجتماعی کافی است که با استفاده از مفاهیم عرضه شده در مرحله اول و دوم و نظایر این مفاهیم، پرسش نامه یا دستورالعملی برای مصاحبه تهیه کنند و به وسیله آن، ویژگی های جزئی تر معنویت شهری را از پژوهش میدانی استخراج نمایند. این ویژگی ها، اگر چه از نظر منطقی مفاهیمی کلی هستند، نسبت به مفاهیم کلی تر تعریف معنویت شهری، مصداق به شمار می آیند.

۵-۳. توضیح مصداقی معنویت شهری

یافته های پژوهش میدانی برای بازشناسی جزئی تر معنویت شهری که توضیح مصداقی معنویت شهری نامیده شد، می تواند موارد زیر را در برگیرد:

الف) نخست احساساتی که همراه با تجربه معنوی در آدمیان به وجود می آید، به ویژه، آن تجارب معنوی که ممکن است هنگام رویارویی با محیط ساخته شده در شهر، برای افراد به وجود آمده باشد. در واقع، به گفته برخی از متخصصان شهری، این گونه تجارب معنوی بیانگر «ماهیت معنوی هنر طراحی» هستند (برچ و سینکلر، ۲۰۱۳: ۸۱). به طور کلی، درباره احساسات حاصل از تجارب معنوی، تحقیقات فراوانی صورت گرفته است که کارهای مزلو (۱۹۶۱) و پانکه و ریچرز (۱۹۶۶) از آثار پیش رو در این موضوع است. برخی از این گونه احساسات پیشتر در توضیح مفهومی بیان شد. برخی دیگر از احساسات همراه با تجارب معنوی و تجارب تعالی از خود که در این گونه آثار گزارش می شود، عبارت است از: احساس یکپارچگی، وحدت و آمیختگی با جهان، احساس مسئولیت، فعال بودن و استفاده از تمامی ظرفیت ها در بهترین و کامل ترین حالت خود، بدون تلاش در عملکرد، احساس آزادی از موانع، ممنوعیت ها، احتیاط ها، ترس ها، تردیدها، کنترل ها، احساس خودداری و انتقاد از خود، احساس سادگی، بی پیرایگی و آرامش، احساس خودانگیختگی و خلاقیت، احساس در حال حاضر زیستن و فارغ بودن از گذشته و آینده، احساس کامل بودن، اصالت و تطهیر، احساس قدردانی (شکر) و فروتنی نسبت به امر قدسی، احساس خوشبختی و غیره.

ب) دومین داده‌ای که باید از پژوهش میدانی استنباط شود، افکار و اندیشه‌هایی است که همراه با تجارب معنوی تداعی می‌شوند، و مقدم بر تجربه معنوی و مشوق آن بوده یا بعد از تجربه و متأثر از آن هستند. مکان‌ها و فضاهایی که ما به عنوان کاربران در آن ساکن هستیم با ما گفتگو می‌کنند و تعامل دارند. مشکل ما گوش دادن است. آن‌ها یک تاریخ و فرهنگ را گزارش می‌کنند و به ما اجازه می‌دهند که جایگاه خود را به عنوان افراد در آن تاریخ و فرهنگ بشناسیم. آن‌ها زمینه اجتماعی و فرهنگی را که ما از طریق آن، آن مکان را تجربه می‌کنیم، منتقل می‌کنند و همچنین مجموعه‌ای از ارزش‌ها و آرمان‌ها را بازتاب می‌دهند که ممکن است ارزش‌ها و آرمان‌هایی معنوی یا غیرمعنوی باشند.

اطلاعات و یافته‌های پژوهشی نظیر داده‌های بالا، مواد فکری را برای هنرمندان شهرسازی فراهم می‌کنند تا با بهره‌گیری از آن‌ها، محیط ساخته‌شده در شهر را به گونه‌ای بیافرینند که به رفع نیاز معنوی و رشد معنوی اجتماع شهری کمک کند.

۴-۵. طراحی سازی معنویت شهری

لئون تولستوی که یکی از بهترین آثار را درباره چپستی هنر نوشته است، اعتقاد دارد هنر یک فعالیت انسانی است که در آن، هنرمند آگاهانه احساساتی را که تجربه کرده است، به کمک حرکات، اشارات، خط‌ها، رنگ‌ها و غیره به دیگران منتقل می‌کند، به نحوی که دیگران نیز همان احساسات را تجربه کنند (قطبی، ۱۳۵۲: ۱۷-۱۵). در این جا در مرحله چهارم، هنرمندان طراحی شهر با توجه به همه آن چه از مراحل پیشین آموخته‌اند و با در نظر گرفتن ویژگی‌هایی که از پژوهش‌های میدانی آشکار شده است، باید از یافته‌ها استخراج کنند که یک تجربه معنوی برای کاربری که با یک محیط ساخته‌شده شهری درگیر است، چگونه به نظر می‌رسد، یعنی نخست ببینند کاربران مستعدتر اجتماع شهری در مواجهه با چه محیط‌های ساخته‌شده‌ای تجربه معنوی داشته‌اند و در این تجربه، چه احساسات و اندیشه‌هایی یافته‌اند. سپس، طراحان باید بررسی کنند که چگونه معماری و طراحی شهری به عنوان یک هنر می‌تواند آن‌گونه احساسات و اندیشه‌ها را به کمک محیط ساخته‌شده، برانگیزاند و تجارب معنوی را تسهیل و یا تشویق کند و در نتیجه، نیاز انسانی مرتبه بالاتر،

یعنی معنویت و تعالی از خود را برآورده نماید. در این بررسی، چند نکته می‌تواند به هنرمندان شهرساز کمک کند:

الف) نکته نخست الگوگیری از بناها و معماری‌های موفق دینی است. همان طور که در پیشینه تحقیق اشاره شد، برخی پژوهش‌ها نشان‌دهنده موفقیت بعضی از بناهای دینی، آرامگاه‌ها و مساجد در القای حس تعالی و معنویت به کاربران خود بوده‌اند. بسیاری از بناهای دینی، «متن» هستند، به این معنا که می‌توانیم سیستم‌های نشانه‌ای آن‌ها را بخوانیم و معنای‌شان را دریابیم. بناهای سنتی و مساجدی که معماری‌های برانگیزاننده و معنوی دارند در چندین سطح عمل می‌کنند. آنها با نمایش نوعی محیط ماوراء این جهانی، ارائه گنجینه‌ای از معانی معنوی و عمل کردن به مثابه نمادهای بیان‌کننده آرمان‌های یک شهر، با خوانشی کاملاً کاربردی و مادی از شهر مقابله می‌کنند. چنین بناهایی اغلب مخزن‌هایی برای حافظه جمعی شهر و امیدهای پیوسته تجدیدشده اجتماع شهری هستند و از طریق جو اجتماعی که توسط نسل‌های متوالی زائران و بازدیدکنندگان ایجاد می‌شود، می‌توانند حسی از مکان شهری را تداعی کنند که با درک یک شهر به عنوان یک مکان صرفاً مادی در تضاد است. با این حال، امر مقدس و به‌طور کلی، مفهوم تعالی از خود به روش‌های مختلفی قابل بیان است که معماری‌های دینی و سنتی یکی از نمونه‌های آن می‌باشد. بیان مفاهیم قدسی و متعالی از طریق محیط ساخته‌شده شهری، بدون شک می‌تواند از ساختمان‌های دینی و سنتی فراتر رود و این گونه ساختمان‌ها می‌توانند برای هنرمندان شهرساز، الهاماتی در راستای طراحی محیط شهری ایجاد کنند. اما اگر بخواهیم حس معنوی در شهرهای معاصر را فراتر از بناهای دینی، زیارتگاه‌ها و مساجد گسترش دهیم، چه نوع مکان‌هایی بیشتر واجد شرایط هستند و در اولویت توجه قرار دارند؟

ب) نکته دوم، اشاره به مکان‌هایی است که برای طراحی معنوی آمادگی بیشتری دارند. البته، کسی قصد ندارد معماری معنوی را به موارد خاص محدود کند، ولی دو مورد از مکان‌های عمومی که بیشتر در مباحث شهری مطرح می‌شوند، عبارتند از ۱. مکان‌های طبیعی، مانند پارک‌ها و گردشگاه‌های شهری یا دریاچه‌ها و رودخانه‌های نزدیک شهر؛ ۲. مکان‌های فرهنگی - هنری، مثل گالری‌های هنری یا موزه‌ها (شیلدریک،

۲۰۱۴: ۱۳۱). در مجموعه‌ها و نمایشگاه‌های هنری به‌طور مستقیم می‌توان از هنرهای گوناگون، مانند نقاشی، خط، شعر و غیره برای برانگیختن احساسات و اندیشه‌های معنوی بهره جست. همچنین، روشن است که موزه‌ها نیز می‌توانند با نمایش آثار دینی و معنوی به‌جا مانده از گذشتگان، نقشی مهم در اشاعه معنویت داشته باشند. بنابراین، فراوانی و آسان بودن دسترسی به نمایشگاه‌های هنری و موزه‌ها، و برنامه‌ریزی برای محتوا و شیوه عرضه آثار در آن‌ها و طراحی اثرگذار معماری خود مکان‌ها می‌تواند بستری مهم برای رشد معنوی در مردم ایجاد کند.

امروزه بر این نکته تأکید خاصی می‌شود که فضاهای باز تفرجگاه‌ها و باغ‌های شهری، احساسات عمیق ارتباط با طبیعت و حس معنوی را برانگیخته و به روان انسان‌ها تعالی می‌بخشد. برخی پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد اگرچه ممکن است شیوه‌ها و عملکرد مردم از نظر فرهنگی متفاوت باشد، گردشگاه‌های شهری می‌توانند برای طیف گسترده‌ای از مردم متفاوت، بهزیستی روانی-اجتماعی-معنوی به ارمغان آورند. سودمندی روانی-اجتماعی-معنوی که از این طریق حاصل می‌شود این است که برخی از مردم در طبیعت، مشغول اعمالی می‌شوند که بازتاب‌دهنده تمایلات شخصی ایشان برای ارتباط با طبیعت و ارتباط با یک واقعیت بزرگ‌تر و مقدس است و همچنین، در طبیعت بر مجموعه گسترده‌تری از شیوه‌های ارتباط با خود و با دیگران متمرکز می‌شوند (سونسن و دیگران، ۲۰۱۶: ۹۰۷-۸۸۱). پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که تجربه‌های مثبت در طبیعت معمولاً حس تعالی را برمی‌انگیزد (برای مثال، داستین و دیگران، ۲۰۰۹؛ لاکهورست و دیگران، ۲۰۱۴؛ ماتیس، ۱۹۹۶؛ ویلیامس و هاروی، ۲۰۰۱). تجربه‌های معنوی مبتنی بر طبیعت، به‌طور معمول این موارد را دربرمی‌گیرد: درون‌نگری و تفکر در ارزش‌های عمیق شخصی، احساس از خودگذشتگی، تکریم کردن، حرمت داشتن، شگفتی، هیبت، رمز و راز یا عدم درک کامل و دریافت الهام، تعامل و وابستگی به چیزی دیگر و برتر از خود، احساس فروتنی نسبت به او و احساس بی‌زمانی، یکپارچگی، تداوم و بقا، اتصال و وحدت (دراپور و دیگران، ۱۹۹۶: ۵).

مسلم است که محیط‌های طبیعی شهری برای همگان و در همه شرایط، احساسات و اندیشه‌های معنوی

به بار نمی آورد. این امر در وهله نخست به فرهنگ جامعه و شیوه استفاده از گردشگاه‌های شهری بستگی دارد. فرهنگ جامعه باید بپذیرد که دست کم، آرامش قسمتی از محیط‌های طبیعی در شهر با بازی‌ها و سروصداها معمول نباید مختل شود. در وهله بعد مدیریت شهری دخالت دارد به نحوی که بخشی از تفرجگاه‌های طبیعی شهر و اطراف آن را به برقراری آرامش و عدم مزاحمت برای تفکر و ذکر و عبادت اختصاص دهد و آن را طوری طراحی کند که ساکنان شهر بتوانند آزادانه از این محیط‌ها برای دنبال کردن تمایلات معنوی در طبیعت، بر طبق سلیقه خویش بهره بگیرند.

به طور خلاصه براساس آنچه گفتیم هنرمندان طراح شهر موظف هستند با استفاده از هنر معماری و طراحی محیط شهری، رابطه انسان شهری را با سه ساحت مهم دست‌کاری کنند: ۱. رابطه او را با خودش، با درونی ترین احساسات، خطورات و الهامات و حواس باطنی‌اش؛ ۲. رابطه او را با تاریخ و فرهنگ شهرش، با اندیشه‌ها و تفکراتی که به او هویت می‌دهد و جایگاه او را در اجتماع شهری استوار می‌گرداند؛ ۳. رابطه او را با محیط طبیعی، دشت و کوه و رودخانه و دیگر موجودات طبیعی که کمتر در محیط ساخته‌شده شهری می‌بیند. هنرمندان طراح، باید این رابطه‌ها را طوری سامان دهند که انسان به تعالی یافتن از خود و نزدیک شدن به امر قدسی ترغیب گردد.

نتیجه‌گیری

آیا فضای معنوی یا مقدس در شهرهای امروزی همچنان مهم است؟ ایده شهر معنوی چه تفاوتی را برای زندگی شهری ایجاد می‌کند؟ شهرهای امروزی در بهترین صورت، نیازهای فیزیولوژیک و ایمنی را تأمین می‌کنند، تأثیرات زیست‌محیطی را کاهش می‌دهند و برای رفع نیازهای اولیه به جنبه‌های اجتماعی عرصه عمومی و محیط ساخته‌شده توجه دارند. معماران و طراحان شهری بیشتر با پرداختن به جنبه‌های قابل اندازه‌گیری، مانند شکل و فضا و نظم، شهرها را برای رفع همان نیازها و منافع می‌سازند. شهر مدرن درباره معنویت چیز زیادی به ما نمی‌گوید. معنویت با معرفی ارزش فرارفتن و تعالی یافتن از خود، آنچه را که در زندگی انسانی اهمیت حیاتی دارد، در چیزی آن سوی منافع شخصی متمرکز می‌کند. یک طراح شهری

انسان‌گرا ولی سکولار مانند سندرکاک^۱ نیز اذعان می‌کند که امروزه، مسئله فضای شهر، مسئله ایجاد ادراکات و احساسات معنوی است. از نظر او نیز ارزش‌های مقدس یا معنوی همچنان در زندگی انسان اهمیت حیاتی دارند و قدسی‌سازی مجدد شهر انسانی یک ضرورت اجتماعی و سیاسی است. با این حال، امثال او به صراحت می‌گویند ما نمی‌توانیم به سادگی فضاهای مقدس اعصار گذشته را بازیابی کنیم. ما باید خلاقانه در مورد راه‌هایی برای پرورش آنچه او «حضور روح» در شهر می‌نامد، فکر کنیم (سندرکاک، ۲۰۰۳: ۲۲۵).

بنابراین، توجه به اینکه چگونه طراحان، معماران و برنامه‌ریزان شهری می‌توانند مکان‌ها را با مفاهیم تعالی از خود و امر قدسی عجین نمایند و برای جوهر معنوی مکان تلاش کنند، روزه‌روز مهم‌تر می‌شود.

در این مقاله ابتدا مقصود از شهر معنوی و رابطه آن با مدیریت و برآوردن نیاز معنوی اجتماع شهری تشریح شد و با ایجاد تعریف مناسبی برای معنویت شهری و سپس توضیح مفهومی تعریف و ارائه پیشنهادی برای توضیح مصداقی آن، زمینه‌ای فراهم گردید تا طراحان شهری کار را به دست گیرند و رسالت هنر را در برانگیختن احساسات و اندیشه‌ها به انجام رسانند. این مقاله از معماران و شهرسازان دعوت می‌کند تا ارزش‌ها را در کاربرد روزمره انسان‌ها بیان کنند و در اصل، با احساسات و اندیشه مردم درگیر شوند. معماری این امکان را پیش روی خود می‌بیند که با نمادپردازی تعالی از خود، حفظ پیوندهای اجتماعی و پرداختن به مهربانی، صداقت و اخلاق عالی از زیبایی‌شناسی سطحی یا مادی‌گرا فراتر رود.

1. Sandercock

منابع و مأخذ

۱. احمدی، حسن و علی علیمرادی و وحید قبادیان (۱۳۹۹)، «خوانش شهرسازی معناگرا در شکل‌گیری کالبدی شهر در نظام شهرسازی دوره صفویه در ایران»؛ نشریه دانش شهرسازی، ش ۱۳، ص ۸۰-۶۳.
۲. ارونسون، الیوت (۱۳۷۹)، روان‌شناسی اجتماعی؛ ترجمه حسین شکرکن؛ تهران: انتشارات رشد.
۳. افرادی، کاظم و حسن احمدی (۱۳۹۱)، «سیر تفکرات پیرامون مدینه فاضله در جهان اسلام»؛ نشریه آموزه‌های فلسفه اسلامی، ش ۱۱، ص ۲۹-۳.
۴. اکبری، علی و سمیه طلایی و مهدی حمزه‌نژاد (۱۳۹۹)، «تحلیل پدیدارشناختی مکان قدسی در شهر ایرانی-اسلامی مبتنی بر انحاء حضور عناصر چهارگانه در فضا: مطالعه موردی آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی در شهر ماهان»؛ فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۴۲، ص ۴۳-۵۴.
۵. آراسته، مجتبی و احسان حیدرزاده (۱۳۹۹)، «تبیین معیارهای مؤثر بر تجربه حضور شهروندان و ارتقای سلامت روانی آن‌ها در محیط‌های تفرجگاهی طبیعی شهر تبریز»؛ مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیط، ش ۸۰، ص ۹۵-۱۱۱.
۶. بایزیدی، قادر و محمدرضا ملکی و علی یونسی و فرزین چاره‌جو (۱۳۹۹)، «ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ادراک حس معنویت در فضای داخلی مساجد: مطالعه موردی مسجد نصیرالملک- شیراز»؛ فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۴۰، ص ۴۵-۵۴.
۷. پورمهابادیان، الهام و پریسا یوسفی (۱۴۰۰)، «بررسی تأثیر فرم بر القای حس معنویت در مساجد دوره قاجار و دوره معاصر: نمونه مطالعاتی مسجد سپهسالار و مسجد امام رضا علیه السلام تهران»؛ نشریه معماری‌شناسی، ش ۱۸، ص ۲۲-۳۰.
۸. حیاتی، حامد و علیرضا زارع و احمد امین‌پور و رامین مدنی (۱۳۹۶)، «تحقق مفهوم قرآنی و روایی حقوق در شهرسازی و طراحی مسکن»؛ فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ش ۳۱، ص ۲۶۷-۲۹۸.

۹. دانشپور، سید عبدالهادی و زهرا غفاری آذر و فاطمه درستی (۱۳۹۷)، «تجلی عالم مثال در طراحی فضای شهری: سیری از خیال تا واقعیت، مورد پژوهی میدان قبله شهر مشهد مقدس»؛ نشریه پژوهش های معماری اسلامی، شماره ۲۰، ص ۱۸۷-۱۷۰.
۱۰. ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۰)، «اصول مدیریت شهری و شهرسازی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه النبی»؛ ماهنامه معرفت، ش ۱۷۱، ص ۱۱-۲۴.
۱۱. سعیدی، محمدمسعود (۱۳۹۶)، عرفان در گرو حلقه‌ها؛ قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. سعیدی، محمدمسعود (۱۳۹۷)، پژوهشی در عرفان حلقه و انرژی درمانی؛ قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. سعیدی، محمدمسعود (۱۳۹۹ «الف»)، «چیستی معنویت به مثابه موضوعی برای پژوهش های تطبیقی در قرآن»، دوفصلنامه پژوهش های عقلی نوین، ش ۱۰، ص ۱۶۹-۱۴۷.
۱۴. سعیدی، محمدمسعود (۱۳۹۹ «ب»)، نظریه معنویت در قرآن، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. قربانی، نیما (۱۳۸۳)، «معنویت روی آوردی تجربی، گوهرشناختی و مدرن به دین یا یک سازه روان شناختی؟»؛ مقالات و بررسی ها، ش ۷۶، ص ۹۸-۶۹.
۱۶. قطبی، محمدیوسف (۱۳۵۲)، تحقیق در تعریف هنر، تهران: انتشارات زوار.
۱۷. کلانتری خلیل آباد، حسین؛ حقی، مهدی؛ دادخواه، محسن (۱۳۹۳)، «مؤلفه های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی»، فصلنامه نقش جهان-مطالعات نظری و فناوری های نوین معماری و شهرسازی، ش ۶، ص ۲۶-۱۷.
۱۸. معین مهر، صدیقه؛ نقره کار، عبدالحمید؛ حمزه نژاد، مهدی (۱۳۹۳)، «شناخت و تحلیل مسائل طراحی محیط معماری و شهرسازی از منظر اسلامی (در گستره قرآن و روایات)»، نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ش ۱۳، ص ۱۳۵-۱۱۹.

۱۹. معین مهر، صدیقه؛ مظفر، فرهنگ؛ نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی (۱۳۹۸)، «اولویت‌بندی راهبردهای پایداری حیات و سرزندگی در محله با رویکرد اسلامی»، نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، ش ۲۳، ص ۸۷-۶۹.
۲۰. هومانی‌راد، مرضیه؛ شرفی‌نفر، اشکبوس (۱۳۹۴)، «کندوکاوی در نسبت ارگونومی و معنویت‌بخشی نور روز در معماری مساجد»، نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ش ۱۵، ص ۱۳-۱.
21. Barrie, T. (2010), *The Sacred In-Between: The Mediating Roles of Architecture*, New York: Routledge.
22. Barrie, T., & Bermudez, J. (2019), *Spirituality and Architecture*. In L. Zsolnai, & B. Flanagan, *The Routledge International Handbook of Spirituality in Society and the Professions*, pp. 345-355, London and New York: Routledge.
23. Baur, J. W. (2018), *Urban green spaces, recreation and spiritual experiences*. *Leisure/Loisir*, pp. 1-25.
24. Bermudez, J. (2014, July), *Simplicity, Science, Spirituality, Situation: Four ways for Architecture to address the future*, *CADERNOS PROARQ*, 22, pp.1-14.
25. Birch, R., & Sinclair, B. R. (2013), *Spirituality in Place: Building Connections Between Architecture, Design, and Spiritual Experience*. *Architectural Research Conference at Uncc (ARCC)* (pp. 80-87), Charlotte: University Of North Carolina.
26. Driver, B. L., Dustin, D., Baltic, T., Elsner, G., & Peterson, G. (1996), *Overview*. In B. L. Driver, D. Dustin, T. Baltic, G. Elsner, & G. Peterson (Eds.), *Nature and the human spirit: Toward an expanded land management*, (pp. 1-10), State College, PA: Venture.
27. Dustin, D. L., Bricker, K. S., & Schwab, K. A. (2009), *People and nature:*

- Toward an ecological model of health promotion. *Leisure Sciences*, 32 (1), pp. 3-14.
28. El Husseiny, A. M., & El Husseiny, A. A. (2012). Spirituality and Social Values vs. Material Formalism: An approach to a human architecture, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 68, pp. 710-722.
29. Lokhorst, A. M., Hoon, C., Le Rutte, R., & de Snoo, G. (2014), There is an I in nature: The crucial role of the self in nature conservation. *Land Use Policy*, 39, pp. 121-126.
30. Maslow, A. H. (1943), "A Theory of Human Motivation", *Psychological Review*, 50(4), pp. 370-396.
31. Maslow, A. H. (1954). *Motivation and Personality*, New York: Harper & Row.
32. Maslow, A. H. (1961), Peak Experiences as Acute Identity Experiences. *American Journal of Psychoanalysis*, 21(2), pp. 254-262.
33. Montes, S. (1996), Uses of natural settings to promote, maintain and restore human health. In B. L. Driver, D. Dustin, T. Baltic, G. Elsner, & G. Peterson, *Nature and the human spirit: Toward an expanded land management ethic* (pp. 105-118), State College, PA: Venture.
34. Pahnke, W. N., & Richards, W. A. (1966), Implications of LSD and Experimental Mysticism. *Journal of Religion and Health*, 5(3), pp. 175-208.
35. Robertson, R. (1992), *Globalization: Social Theory and Global Culture*, London: Sage.
36. Sandercock, L. (2003), *Cosmopolis II: Mongrel Cities in the 21st Century*, London and New York: Continuum.
37. Sheldrake, P. (2014), *The Spiritual City: Theology, Spirituality, and the Urban*,

Malden & Oxford: wiley-blackwell.

38. Svendsen, E. S., Campbell, L. K., & McMillen, H. L. (2016), Stories, Shrines, and Symbols: Recognizing Psycho-Social-Spiritual Benefits of Urban Parks and Natural Areas, *Journal of Ethnobiology*, 36(4), pp. 881-907.
39. Trisno, R., Claudia, K., & Lianto, F. (2020), Spiritual Architecture in the Context of Java. *ISVS e-journal*, 7(3), pp. 40-48.
40. Williams, K., & Harvey, D. (2001), Transcendent experience in forest environments, *Journal of Environmental Psychology*, 21(3), pp. 249-260.